

## بررسی تأثیر توسعه سواحل مکران در اقتدار دریایی ج.ا.ا.

### (مبتنی بر جنگ‌های آینده دریایی)

امیر رستگاری<sup>۱</sup> - محمدهادی شفیع<sup>۲</sup> - حسین خانزادی<sup>۳</sup>

دریادار امیر رستگاری (معاونت هماهنگ‌کننده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران)

دانشجوی دکترین مدیریت راهبردی (نظامی) دانشگاه عالی دفاع ملی

دانشجوی دکترین مدیریت راهبردی (نظامی) دانشگاه عالی دفاع ملی

آن که به استقبال آینده می‌رود، بیناترین است و آن که به آینده پشت می‌کند سرانجام سرگردان می‌شود. حضرت علی(ع)

### چکیده

رویکرد جدید در جنگ‌های چند سال اخیر، تفاوت توانایی کشورها در بعد فناوری، بهره‌گیری از نقاط ضعف و آسیب‌پذیر دشمن، استفاده از فناوری‌های پیشرفته، بکارگیری روش‌های مبتکرانه برای دستیابی به موضع برتر و تضعیف اراده دشمن، باعث تغییر و تحول در ساختار کلی جنگ‌های آینده گشته و ماهیت جنگ‌های آینده را تغییر داده است. حمله به نقاط ضعف دشمن با ابزار جدید و ناشناخته و در عین حال پرهیز از رویارویی با توانمندی‌های دشمن در جنگ‌ها، قدمتی دیرینه دارد. نیروهای مسلح هر کشوری نیاز دارند مطابق یک الگوی کاملاً علمی، تئوری‌های بالقوه مربوط به تهدیدات آینده را تجزیه و تحلیل نموده و ضمن ارزیابی صحت آنها، خط مشی آینده نیروی خود را بر پایه استدلال‌های مستحکم علمی و انگاره‌های مناسب بنیان‌گذاری نمایند. به عنوان نمونه، از ستاد یک لشکر انتظار می‌رود که حوادث حداکثر یک ماه آینده را پیش‌بینی نماید ولی از ستاد کل نیروهای مسلح کشور توقع پیش‌بینی، برای دوره‌ای حداقل ده یا بیست ساله می‌رود. نیروی دریایی راهبردی ارتش ج.ا.ا. ایران، با پیش‌بینی‌های کارشناسانه بلندمدت توانسته است که با استقرار نیروهای خود در طول سواحل مکران و افزایش توانمندی‌های خود در این عرصه، کنترل دریا را در تنگه هرمز و فراتر از آن دریای عمان تا مدار ۱۰ درجه شمالی در اقیانوس هند، در اختیار بگیرد.

در این راستا مطلب قابل تأمل که بیش از پیش نیازمند بررسی است، شناخت تأثیر تغییر گسترده منطقه ماموریتی نیروی دریایی راهبردی ارتش ج.ا.ا. ایران در دریا و استقرار یگان‌های بیشتری از این نیرو در سواحل مکران، بر ماهیت جنگ‌های آینده است. لذا این پژوهش با نگاهی گذرا به اهمیت دریا و ضرورت داشتن اقتدار دریایی، نقش و جایگاه نیروی دریایی و وضعیت توسعه یافتگی منطقه جنوب شرق کشور در ابعاد مختلف سعی دارد اهمیت منطقه ماموریتی جدید نداجا در سواحل مکران و نقش آن در کسب اقتدار دریایی مبتنی بر ویژگی‌های صحنه نبرد جنگ‌های آینده دریایی را شناسایی و ترسیم نماید.

**واژه‌های کلیدی:** جنگ‌های آینده، نیروی دریایی راهبردی، سواحل مکران، دریای عمان، اقیانوس هند

### ۱- مقدمه

در سال‌های اخیر مقام معظم رهبری تأکیدات مکرر و ویژه‌ای به موضوع دریا و توسعه سواحل جنوب شرق و سواحل مکران در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و توسعه مدنیت داشته‌اند و ایشان نه تنها بهره‌مندی از این نعمت خدادادی را مورد توجه قرار داده‌اند، بلکه با عنایت به تغییر ماهیت تهدیدات علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به تهدیدات دریایا، نقش نیروی دریایی ارتش ج.ا.ا. ایران را به عنوان مدافع مرزهای آبی و پاسدار منابع و منافع نظام اسلامی ایران در پهنه دریاها جهت مقابله با تهدیدات علیه خطوط مواصلات دریایی کشور به عنوان شاه‌رگ واردات و صادرات کشور به طور برجسته‌ای مطرح و عنوان نیروی راهبردی را حکیمانانه در مورخه ۸۸/۷/۱۴ به این نیرو اعطا فرموده‌اند که بخشی از فرمایشات معظم له در ذیل آمده است: [۱]

«در کشور ما در طول سالیان دراز، به مسئله دریانوردی بسیار بی‌احترامی و بی‌اهتمامی شده است؛ یعنی ما آن مردمی هستیم که وقتی در یک طرف مرزمان به آب رسیدیم، متوقف شدیم! برخلاف ملت‌هایی که وقتی به آب رسیدند، آب برایشان با خشکی یکی بود. (۷۶/۹/۹)

ما در سال‌های گذشته از سواحل طولانی دریای عمان بهره لازم و کافی را نبرده ایم. ذهن مان همه اش متوجه خلیج فارس بوده، اهمیت دریای عمان از نظر ما مغفول<sup>۱</sup> عنه مانده است. (۸۸/۱۱/۳۰)

"آن منطقه ای که شما مستقر هستید یعنی منطقه سواحل دریای عمان منطقه بکری است، عمق این سواحل، منطقه وسیع بلوچستان و بخشی از آن منطقه ی غربی تر آن یعنی هرمزگان، مناطق بسیار مهمی است، بسیار حائز اهمیت است. ما هم از اول انقلاب خیلی به این مناطق نپرداخته ایم،

وجود شما در آن جا ممکن است این مناطق را زنده کند یعنی حضور نیروی دریایی ارتش ممکن است منتهی بشود به این که انشاء الله ما بتوانیم از توانایی های منطقه استان بزرگ سیستان و بلوچستان و منطقه عظیم و حساس دریای عمان استفاده کنیم. این برای کشور مهم است، این همکاری شما با دستگاه های دولتی می تواند این فواید را داشته باشد. (۸۹/۹/۷)

« نیروی دریایی در بسیاری از نقاط عالم و در کشور ما یک نیروی راهبردی است به چشم یک نیروی راهبردی بایستی به نیروی دریایی نگریده شود. (۸۸/۷/۱۴)

وقتی شما پرچمتان می تواند در دریاهای آزاد به اهتزاز در بیاید، معنایش این است که ملت ایران، فرهنگ ملت ایران، حرف حق ملت ایران در انقلاب، قدرت زیادی پیدا کرده و این برای دیرگ ملت ها الهام بخش است. (۹۰/۵/۲)

نیروی دریایی با چنین مختصات راهبردی، برای سیاست، عزت ملی و استقلال کشور نقش آفرین خواهد بود. (۹۰/۵/۲)

تحولات شدید و سریع محیط امنیتی منطقه و حضور گسترده یگان های شناور کشورهای فرامنطقه ای در حوزه ماموریت جدید نیروی دریایی، باعث شده است تا نیروی دریایی راهبردی ارتش ج.ا.ا. ایران در صحنه دریا با محیطی آشوبناک و پر ابهام مواجه باشد.

سواحل مکران در جنوب شرق ایران با دارا بودن ظرفیت های فوق العاده، ژئوپلیتیکی، اقتصادی، امنیتی، وحدت ملی، دسترسی ارتباطات منطقه ای و بین المللی واجد کارکردهای تولید کننده قدرت در کشور است که تاکنون مورد غفلت واقع شده و با وجود دارا بودن پتانسیل های فوق الذکر، یکی از عقب مانده ترین مناطق کشور به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و محیطی محسوب می گردد. توسعه آینده کشور با توجه به موقعیت جغرافیایی و ساحلی دریایی عمان وابسته به طراحی سیاست های کارآمد و استفاده بهینه از کارکردهای این منطقه از کشور می باشد.

نظر به نقشی که عوامل محیطی در شکل گیری نیروی دریایی راهبردی دارد، تحولاتی که در اطراف کشور ما و یا در آینده انتظار وقوع آن می رود، از جمله مواردی است که باید به آن پرداخت. دنیای پر فتنه و آشوب امروز و تحولات محیطی آینده، صحنه نبرد و رقابتی است که پیروزی در آن نیازمند هوشمندی بسیار بالا دارد. مطالب مطرح شده زمانی حائز اهمیت خواهد بود که شناخت درستی از تهدیدات و جنگ های احتمالی آینده خصوصاً در صحنه دریا حاصل شود.

استقرار نیروی دریایی راهبردی ارتش ج.ا.ا. ایران در سواحل مکران در جنوب شرق کشور و در آب های بین المللی شمال اقیانوس هند و دریای مدیترانه در راستای اوامر و تدابیر فرماندهی معظم کل قوا، برکات فزاینده ای را برای این منطقه استراتژیک و نیروی دریایی راهبردی به ارمغان آورده است. نیروی دریایی راهبردی که مدت کوتاهی است در قالب واقعی و مورد انتظار رهبری قرار گرفته است، در آینده با محیطی پیچیده و سرشار از تحولات در ابعاد گوناگون روبرو خواهد شد که ویژگی های این محیط بر نحوه کارکرد و میزان کارایی و کامیابی اش اثرگذار است و بخش عمده آن نیز مربوط به میزان توسعه یافتگی سواحل مکران در این خطه از کشور و بخشی مربوط به بهره برداری از تجهیزات و فناوری های نوین و متناسب با تهدید دارد که به جهت ملاحظات مربوطه این موضوع در قالب نقشه راهبرد نداجا به صورت درون سازمانی و با بهره گیری از همه ظرفیت های ملی مورد بررسی قرار گرفته و کاملاً مشخص و در قالب برنامه ای مدون در صدد کسب مزیت های راهبردی مبتنی بر تجهیزات و نیروی انسانی و همچنین متناسب با تهدید و جنگ های آینده دریایی می باشد.

در این راستا مطلب قابل تأمل که بیش از پیش نیازمند بررسی است، شناخت تأثیر تغییر گسترده منطقه ماموریتی نیروی دریایی راهبردی ارتش ج.ا.ا. ایران در دریا و استقرار یگان های بیشتری از این نیرو در سواحل مکران، بر ماهیت جنگ های آینده است. لذا این پژوهش با نگاهی گذرا به اهمیت دریا و ضرورت داشتن اقتدار دریایی، نقش و جایگاه نیروی دریایی و وضعیت توسعه یافتگی منطقه جنوب شرق کشور در ابعاد مختلف سعی دارد اهمیت منطقه ماموریتی جدید نداجا در سواحل مکران و نقش آن در کسب اقتدار دریایی مبتنی بر ویژگی های صحنه نبرد جنگ های آینده دریایی را شناسایی و ترسیم نماید

## ۲- نوع و روش پژوهش:

**الف- نوع پژوهش:** از آنجا که پژوهشگر در صدد ارائه راه کار یا پیشنهاد اجرایی است لذا پژوهش حاضر از نوع کاربردی است.

**ب- روش پژوهش:** روش این پژوهش از نوع زمینه ای موردی می باشد چون به دنبال شناخت موقعیت قبلی، آرایه ای کامل و دقیق موقعیت فعلی و بالاخره آرایه ای راه کارها، پیشنهادها و یا الگوی مناسب (آینده نگری) است. به عبارت دیگر با نگاهی به گذشته شروع می شود، به سوی حال حرکت نموده و آنگاه نگاهی به آینده دارد.

### ۳- تشریح و بیان مسأله:

سواحل مکران، دریای عمان و شمال اقیانوس هند، گذرگاهی برای ارتباطات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی ج.ا.ا. ایران در جنوب شرق کشور اسلامیمانمحسوب می‌شود.

ایران به لحاظ داشتن منابع انرژی نفت و گاز، موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه، دارابودن مرزهای آبی طولانی و قابلیت کنترل خطوط مواصلاتی دارای اهمیت فراوانی در منطقه می‌باشد.

روند کنونی تحولات نظام بین‌الملل بیانگر این واقعیت است که در آینده کشوری نقش قدرت برتر جهانی را در سده بیست‌ویکم بازی خواهد کرد، که بتواند بر منابع و خطوط انتقال انرژی جهان، به ویژه نفت و گاز تسلط داشته باشد. ایران با داشتن بیش از یکصد میلیارد بشکه ذخائر نفتی و ۸۰۰ تریلیون فوت مکعب ذخائر گازی جزء چهار کشور اول جهان است و برای انتقال انرژی از آسیای مرکزی به سواحل مکران و خلیج فارس از امکانات ویژه‌ای برخوردار می‌باشد که حاکی از نقش اساسی آن در منطقه و تحولات منطقه‌ای می‌باشد.

دریا از دیر باز همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در قدرت ملی کشورها ایفاء نموده است. فرماندهی معظم کل قوا به مناسبت‌های مختلف مکرراً توسعه همه جانبه و متوازن سواحل مکران از حیث جمعیتی، صنعتی، تجاری، فنی و کشاورزی را به مسئولین و کارگزاران نظام خاطرنشان فرموده‌اند تا جایی که در شرفیابی فرماندهان و مسئولین نیروی دریایی به مناسبت هفتم آذر سالروز نیروی دریایی در سال ۹۱ سواحل گسترده جمهوری اسلامی و به ویژه سواحل دریای عمان و عقبه آن در منطقه مکران را ثروت عظیم ملی توصیف فرمودند و افزودند که اگر دولت و سایر مسئولان با نگاه راهبردی به مناطق دریایی، به کمک بیابند، این منطقه عظیم و مهم می‌تواند توانایی‌های زیادی را برای جمهوری اسلامی بوجود آورد.

نیروی دریایی ارتش در کنار سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، نقش اساسی در حفاظت و صیانت از منابع، منافع و امنیت ملی کشور را در مرزهای آبی و دریا به عهده دارد. در دوران قبل از انقلاب اسلامی گر چه توسعه نیروی دریایی مورد توجه قرار گرفت و موجب توسعه و گسترش برخی از مراکز جمعیتی و بنادر جنوب کشور گردید، لکن روند اصلی این توسعه در چارچوب اقتدار، اهداف و منافع ملی کشور نبوده و در جهت اهداف و منافع غرب پایه‌ریزی شده بود.

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران دوشادوش دیگر نیروهای مسلح و آحاد ملت دوران شکوفایی و توسعه روزافزون متکی بر باورهای خودی و قابلیت‌های بومی برگرفته از تمدن اسلامی- ایرانی را طی نموده و همان طور که در سند چشم‌انداز ۲۰ساله بدان اشاره شده است همواره در فکر ساختن فردایی برجسته و متناسب با شأن کشور مستقل و نقش آفرین ایران در صحنه دریا، منطقه و جهان برآمده است.

بهره‌برداری از فضای جغرافیایی گسترده دریای عمان و بخش‌های شمال اقیانوس هند این امکان را به نیروهای مسلح می‌دهد تا در منطقه مورد علاقه جهت جمع‌آوری اطلاعات راهبردی نظامی و هم‌چنین مانورهای عملیاتی، ابتکار عمل را پیش از ورود هر گونه نیروی تجاوزگر به تنگه هرمز و خلیج فارس با بهره‌گیری از سواحل مکران و عمق راهبردی مناسب در دریاهای دست‌گیر، و راهبردهای نظامی را در یک جنگ همه جانبه و تمام عیار قوت بخشد.

با توجه به نگاه مقام معظم رهبری به نیروی دریایی که می‌فرمایند «می‌خواهم بگویم نیروی دریایی کنونی با آنی که ایده‌آل ما و شماست منطبق است؟ یقیناً خیر...» (۹۰/۱۰/۲۵) و فقدان شناخت صحیح از تأثیر جنگ‌های آینده در صحنه دریا بر توسعه سواحل مکران، چیست و چگونگی این تأثیر و تعیین ارتباط بین آنها حائز اهمیت است، تا در تراز با فرمایشات مقام معظم فرماندهی کل قوا، دریا نه تنها محدودیتی برای اعمال اقتدار راهبردی ما در منطقه ایجاد نکند، بلکه زمینه مناسبی را برای انجام مأموریت‌های راهبردی در چارچوب رهنامه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و توسعه مشارکت در امور مختلف در کشورهای مسلمان و دوست در منطقه و مناطق مورد علاقه ایجاد نماید.

بررسی سوابق، پیشینه پژوهش، مطالعات اکتشافی و پژوهش‌های انجام گرفته، مبین این موضوع است که سواحل مکران، دریای عمان و شمال اقیانوس هند به طور سنتی مورد غفلت و کم توجهی قرار گرفته و در حال حاضر نیز این غفلت در ابعاد مختلف آن به عنوان یک محیط نسبتاً ناشناخته ادامه دارد از سویی توجه به توسعه سواحل مکران در جنوب شرق کشور اسلامی مان نیز مغفول مانده و این موضوع موج از دست رفتن بسیاری از فرصت‌ها و افزایش و نزدیکی تهدیدات دریا پایه علیه منافع ملی کشور در صحنه دریا شده است. باتوجه جایگاه توسعه سواحل مکران در کسب اقتدار دریایی تحت تأثیر جنگ‌های آینده، در این پژوهش "بررسی تأثیر توسعه سواحل مکران در اقتدار دریایی ج.ا.ا. (مبتنی بر جنگ‌های آینده دریایی)" با شناسایی و تعیین عوامل توسعه سواحل مکران مبتنی بر جنگ‌های آینده دریایی و همچنین بررسی و تعیین میزان تأثیر عوامل مذکور بر توسعه نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران «متناسب با جنگ‌های آینده دریایی مسئله پژوهش خواهد بود.

#### ۴- اهمیت و ضرورت پژوهش:

شناخت عوامل توسعه سواحل مکران مبتنی بر جنگ‌های آینده دریایی توسعه نیروی دریایی قدرتمند، مطابق با تحولات و شرایط جدید در شأن ملت ایران که مدافع منافع جمهوری اسلامی ایران در دریای عمان باشد را الزامی می‌نماید. قطعاً جهت برنامه‌ریزی، ساماندهی و مدیریت این مهم، پژوهش در این زمینه از اولویت بسیار بالایی برخوردار است.

گامبرداری در راستای توسعه سواحل مکران در جنوب شرق کشور، از ضرورت‌ها و ملزومات اولیه انتخاب و تجهیز نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران در حوزه دریای عمان و شمال اقیانوس هند بوده و عدم توجه به عوامل مختلف توسعه دریا محور در این حوزه، ما را در استفاده از نقاط قوت و فرصت‌ها ناتوان و در مقابل نقاط ضعف و تهدیدات (بالقوه و بالفعل) آسیب‌پذیر خواهد نمود.

از آنجا که روح کلی حاکم بر سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران «قدرت اول شدن در منطقه» می‌باشد، لذا ضرورت دارد در جهت تحقق آن در توسعه سواحل مکران و نیروی دریایی، تلاش لازم صورت گیرد. احصای تأثیر عوامل مختلف توسعه سواحل مکران می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را در تحقق هدف مذکور یاری نماید.

مجاورت جمهوری اسلامی ایران با اقیانوس هند که به واسطه اهمیت و خصوصیات آن عرصه حضور نیروی دریایی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گردیده، برخورداری از نفت به عنوان اصلی‌ترین منبع انرژی و از همه مهم‌تر قرارگرفتن خطوط مواصلاتی راهبردی کشور در آب‌های اقیانوس هند و تنگه‌های راهبردی هرمز، مالاکا، باب‌المندب و کانال سوئز، همگی لزوم برخورداری از یک نیروی دریایی عمیق با زیرساخت‌های مناسب در سواحل گسترده جمهوری اسلامی ایران و به ویژه سواحل مکران در جنوب شرق کشور به‌منظور ایجاد امنیت در عرصه آب‌های ساحلی، سرزمینی، منطقه نظارت، فلات قاره، منطقه ویژه اقتصادی و آب‌های اقیانوسی برای دستیابی به اهداف ملی و تحقق سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ را تأیید می‌نمایند. با توجه به ضرورت بسیار بالای اجرای پژوهش، اهمیت آن نیز به خودی خود مسلم و ثابت می‌باشد.

#### ۵- اهداف پژوهش:

الف- هدف اصلی:

دستیابی به الگوی توسعه سواحل مکران در راستای کسب اقتدار دریایی ج.ا.ا. مبتنی بر جنگ‌های آینده دریایی می‌باشد.

ب- اهداف فرعی:

۱. شناخت اهمیت دریا و ضرورت برخورداری از اقتدار دریایی مبتنی بر جنگ‌های آینده دریایی با برخورداری از نیروی دریایی مقتدر.

۲- شناخت وضعیت توسعه یافتگی منطقه جنوب شرق.

۳- شناخت ضرورت‌های توسعه سواحل مکران به عنوان عقبه اساسی، پشتیبان و مبدأ اعمال سیادت دریایی

#### ۶- سؤال‌های پژوهش:

الف- سؤال اصلی: الگوی توسعه سواحل مکران در جهت کسب اقتدار دریایی مبتنی بر جنگ‌های آینده دریایی کدام است؟

ب- سؤال‌های فرعی:

۱. اهمیت دریا و ضرورت برخورداری از اقتدار دریایی مبتنی بر جنگ‌های آینده دریایی چیست؟

۲. وضعیت توسعه یافتگی منطقه جنوب شرق چگونه است؟

۳. ضرورت توسعه سواحل مکران به عنوان عقبه اساسی، پشتیبان و مبدأ اعمال سیادت دریایی چیست؟

#### ۷- فرضیه‌های پژوهش:

الف- فرضیه اصلی:

توسعه سواحل مکران در ابعاد مورد نظر در ایجاد یک نیروی دریایی مقتدر و کسب اقتدار دریایی مبتنی بر جنگ‌های آینده دریایی تأثیر گذار خواهد بود.

## ب- فرضیه‌های فرعی

۱. تقویت بعد اقتصادی در سواحل مکران در اقتدار دریایی تأثیر گذار خواهد بود.
۲. تقویت بعد اجتماعی و فرهنگی در سواحل مکران در اقتدار دریایی تأثیر گذار خواهد بود.
۳. تقویت بعد سیاسی و امنیتی در سواحل مکران در اقتدار دریایی تأثیر گذار خواهد بود.
۴. تقویت بعد آمایش سرزمین در سواحل مکران در اقتدار دریایی تأثیر گذار خواهد بود.
۵. تقویت بعد تربیتی، آموزشی و پژوهشی در سواحل مکران در اقتدار دریایی تأثیر گذار خواهد بود.
۶. تقویت بعد فناوری اطلاعات، ارتباطات و تجهیزات در سواحل مکران (در سطح ملی و بین‌المللی) در اقتدار دریایی تأثیر گذار خواهد بود.

## ۸- متغیرهای پژوهش :

الف- متغیرهای مستقل: توسعه سواحل مکران در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و امنیتی، آمایش سرزمینی، تربیتی، آموزشی و پژوهشی، فناوری اطلاعات، ارتباطات و تجهیزات

ب- متغیر وابسته: متغیر وابسته این پژوهش عبارت از «اقتدار دریایی ج.ا.ا مبتنی بر جنگ‌های آینده دریایی» می‌باشد.

## ۹- ادبیات پژوهش

## ۹-۱- اهمیت دریا و ضرورت داشتن اقتدار دریایی [۲]

منافع دریا مال همه است؛ امکانات این دریای پر برکت متعلق به این ملت هاست. چگونه می‌شود از این برکات به نفع منافع ملی استفاده کرد و کشور را از آن بهره‌مند کرد؟ با داشتن اقتدار. این اقتدار را شما نیروهای مسلحی که با معنای جهاد و مفهوم از خودگذشتگی خود گرفته‌اید، می‌توانید تأمین کنید.» (مقام معظم رهبری - ۹۰/۵/۱)

در دنیای امروز، دریا برای ملت‌ها عامل مهم زندگی است و هیچ کشور ساحلی‌ای نیست که منفعی در دریا نداشته باشد. مردمی که از دریا دورند، فاقد یکی از مهم‌ترین مبادی ارتباطی باندنیای خارج خود هستند. اقتصاد اینگونه ملت‌ها به سختی، آهستگی و کندی پیش می‌رود. دریا در رشد و زندگی اقتصادی ملت‌ها اهمیتی حیاتی دارد. منافع کشورهای صاحب دریا ارتباطی مستقیم با خواسته‌ها، نیازها، توانایی‌ها و فرهنگ آنها دارد و در واقع سیاست دریایی آن کشورها را عینیت می‌بخشد. این سیاست در قالب راهبرد دریایی تبیین می‌شود و اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی را به دنبال دارد. موفقیت در اهداف مورد نظر بستگی به توان به‌کارگیری نیروی انسانی، ابزار و تجهیزات و قوانین و مقررات در حد فراگیر دارد و قدرت دریایی را به وجود می‌آورد. این تلقی منسجم از «قدرت دریایی» نشأت گرفته از ابعاد اصلی و اساسی جهان پیشرفته امروز است.

طبق محاسبات، نسبت خشکی‌های زمین به دریاها ۲۹ به ۷۱ درصد است و از اعجاز قرآن اینکه نسبت کلمات بر و بحر در قرآن نیز ۱۳ به ۳۲ است که برابر با نسبت خشکی‌ها و دریاهاست. [۳] ایران ۱۵ همسایه دارد که با ۳ کشور مرز خشکی، ۴ کشور مرز خشکی و دریایی و ۸ کشور تنها مرز دریایی دارد. از لحاظ طول مرزها نیز بیش از یک سوم مرزهای کشور دریایی است. خلیج فارس با دارا بودن بیش از ۶۵ درصد نفت جهان از طریق تنگه هرمز به دریای عمان و اقیانوس هند متصل می‌شود و از نظر ژئوپلیتیک از موقعیت ممتازی برخوردار و تسلط بر سواحل شمال خلیج فارس بویژه بر تنگه مهم و راهبردی هرمز به عنوان گلوگاه انرژی جهان اهمیت این موقعیت را دو چندان می‌کند.

• طول کل مرزهای ایران بالغ بر ۷۷۰۴ کیلومتر است که از این میزان، مرزهای دریایی به شرح زیر است:

- مرز دریای خزر ۳۱۰ مایل دریایی تقریباً معادل ۵۷۴ کیلومتر
- مرز دریایی در منطقه خلیج فارس ۴۸۵ مایل دریایی تقریباً معادل ۸۹۸ کیلومتر.
- مرز دریایی در منطقه دریای عمان ۳۸۸ مایل دریایی تقریباً معادل ۷۱۸ کیلومتر.
- مجموع مرز دریایی ایران تقریباً برابر با ۲۱۹۰ کیلومتر
- و تقریباً ۳۰٪ از مرزهای کشور، مرز آبی است

بنابراین جمهوری اسلامی ایران، کشوری دریایی محسوب می‌شود.

- با وجود حدود هزار کیلومتر مرز دریایی مشرف به اقیانوس هند، ۵ آبراه از ۹ آبراه مهم جهان در اطراف این اقیانوس قرار دارد که اهمیت اقیانوس هند را بیش از پیش نشان می‌دهد.

- از بعد تجاری تنها ۷ درصد مبادلات کالاهای کشور از مرزهای زمینی و ۹۳ درصد بقیه از مرزهای دریایی صورت می‌گیرد که این مساله اهمیت توجه به دریا را در کشور نشان می‌دهد.
- اقیانوس هند سومین اقیانوس جهان است که با ۷۰ میلیون کیلومتر مربع وسعت، ۲٫۴ میلیارد نفر را در حاشیه‌ی خود سکنی داده است. اگر جمعیت چین را هم به این جمعیت اضافه کنیم نزدیک به نیمی از مردم جهان در حاشیه‌ی اقیانوس هند زندگی می‌کنند.
- حدود ۳۰ درصد تجارت جهان در محدوده شمال اقیانوس هند صورت می‌گیرد.
- ۲۵ شهر پیشرفته برتر دنیا در کنار دریا واقع شده اند.

بر اساس اهمیت مذکور در دکترین کشورهای غربی، نقطه پایه‌ی نیروهای دریایی از اقیانوس اطلس به شمال اقیانوس هند و شرق چین تغییر کرده است که نشان دهنده تلاش آنها در کنترل این منطقه استراتژیک تجاری است و بیشترین فرصت‌ها و تهدیدها در گذشته، حال و آینده در دریا بوده است و صیانت از دریا و منابع ملی در دریا باعث اقتدار دریایی کشور است.

با توجه به موقعیت استراتژیک ایران در منطقه شمال اقیانوس هند و گستره ساحلی مکران، استفاده از این جایگاه ویژه، مستلزم برخورداری از قدرت دریایی است که ناوگان نظامی، ناوگان تجاری و توانمندی علمی و صنعتی سه ضلع مثلث قدرت دریایی هر کشور را تشکیل می‌دهد و مبدا و محل استقرار و شروع فعالیت اضلاع قدرت دریایی از سواحل کشور شروع و پس از اعمال توسعه پایدار خصوصاً در بخش زیر ساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری، حوزه فعالیت به سمت دریا گسترش می‌یابد.

## ۲-۹- جایگاه نیروی دریایی در کسب اقتدار ملی [۴]

یکی از مولفه‌های اقتدار ملی، قدرت نظامی است و نیروی دریایی نیز به عنوان یکی از ارکان قدرت نظامی به شمار می‌آید .

نیروهای نظامی معمولاً یکی از دو رویکرد عمده تاکتیکی و راهبردی را در پیش می‌گیرند. نیروی نظامی تاکتیکی، نیرویی است که در زمان درگیری نظامی و تخصص، با اجرای عملیات و تاکتیک‌های مختلف نظامی و در منطقه نبرد، سعی در غلبه بر دشمن و دستیابی به اهداف نظامی دارد اما نیروی نظامی راهبردی، نیرویی است که حتی در زمان صلح و بدون درگیری نظامی با کشور تهدیدکننده منافع ملی، سعی در اشاعه و گسترش تسلط خود بر وی و رفع هرگونه تهدیدی در این خصوص دارد.

از همین رو، ماموریت نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران پس از تبیین آن به‌عنوان یک نیروی راهبردی و از آنجا که علاوه بر تامین اهداف نظامی (منافع ملی)، مسئولیت بسیاری از مسائل حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تبلیغاتی در صحنه‌های داخلی و خارجی به این نیرو واگذار گردید، بسیار دشوارتر و حساس‌تر از گذشته شده است.

نیروی دریایی راهبردی به نیرویی اطلاق می‌شود که قادر است:

- در محدوده آب‌های عمیق اقیانوسی عملیات انجام دهد به‌گونه‌ای که بتواند به تنهایی خود را از گزند تهدیدهای سطحی، زیرسطحی و هوایی حفظ کند و به لحاظ پشتیبانی لجستیکی و ساحلی تامین باشد.
- محدودیتی برای اجرای عملیات در عمق (عملیات در دور دست) نداشته باشد. و یا به تعبیری ساده‌تر، نیروی دریایی راهبردی نیرویی است که از منافع ملی کشور در منطقه حیاتی یا حساس (دریایی) صیانت کند.

در پی رهنمودهای فرماندهی معظم کل قوا، با ابلاغ طرح ولایت و به‌ویژه پس از تبیین نداجا به‌عنوان یک نیروی دریایی راهبردی توسط معظم له، منطقه ماموریت نداجا تغییر کرده و شامل محدوده‌ای وسیع‌تر شده است.

منطقه‌ای که ابتدا شامل ۳۰۶ هزار کیلومتر مربع از آب‌های خلیج فارس و دریای عمان بود، از سواحل جنوب شرقی کشور تا شمال اقیانوس هند و مدار ۱۰ درجه عرض شمالی جغرافیایی گسترش یافت و منطقه‌ای به وسعت بیش از ۲ میلیون کیلومترمربع، از دریای عمان تا خلیج عدن و بخشی از اقیانوس هند را شامل شد و براساس ماموریت‌های ابلاغی حتی (به‌صورت موردی) تا دریای مدیترانه نیز گسترش یافته است؛ منطقه‌ای که از نظر ژئوپلیتیکی، بازیگران صحنه، رویدادهای اثرگذار در ابعاد جهانی و ... کاملاً متفاوت با منطقه مأموریتی قبلی (خلیج فارس) است و نداجا با توجه به تبدیل شدن به یک نیروی راهبردی علاوه بر درگیر بودن در مسائل نظامی با مسائل اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی نیز روبه‌رو شد و لازم بود که به‌عنوان نماینده‌ای شایسته، موجبات ارتقای جایگاه نظام مقدس جمهوری اسلامی را در صحنه بین‌الملل فراهم آورد زیرا امروز دیگر دشمن یک

کشور منطقه‌ای متوسط همانند عراق و صحنه عملیات فقط دریای نیمه بسته خلیج فارس نیست بلکه منطقه‌ای به وسعت دریای جنوب و اقیانوس هند است.

علاوه بر این رشد و توسعه اقتصادی و سیاسی ایران و افزایش مبادلات آن و نیز چالش‌های جهانی همانند حفاظت از محیط‌زیست در عرصه دریاها، قاچاق مواد مخدر و پدیده دزدان دریایی این نیاز را به وجود آورده است که کشور ما در عرصه دریایی در محدوده بسیار پهناورتری نسبت به قبل عمل کند تا علاوه بر حفاظت از منافع خود با مشارکت در مواجهه و حل مشکلات پیش‌گفته توانایی و ظرفیت خود را در ایفای نقش به‌عنوان یک قدرت جهانی و مسئول به نمایش گذاشته و بر وجهه ملی، اقتدار و عزت خود در مجامع بین‌المللی بیفزاید.

البته باید توجه داشت که فعالیت در عرصه‌ای به این گستردگی، در چنین فاصله‌ای نسبت به سرزمین اصلی، با شرایط هوایی کاملاً متفاوت و سهمگین و رقیبانی قدرتمند نیاز به تغییر کامل دید مسئولین و نحوه و میزان پشتیبانی از قدرت دریایی کشور، به‌خصوص بخش نظامی آن دارد و حضور و عمل در چنین عرصه‌ای مستلزم در اختیار داشتن و به‌کارگیری ناوگان قدرتمند و سنگین سطحی، زیرسطحی و یگان‌های هوایی با تکنولوژی روز، افزایش سطح همکاری‌های سیاسی و نظامی با کشورهای واقع در سواحل دریای جنوب و اقیانوس هند و استفاده از تسهیلات بندری آنها جهت یگان‌های نظامی و نیز تغییر دید کامل نسبت به صنایع دریایی در داخل کشور است به‌نحوی که این صنایع بتوانند نیازمندی‌های ناوگان‌های نظامی و غیرنظامی کشور را مطابق با استانداردهای روز دنیا تأمین کنند.

در چنین شرایطی است که می‌توان با تغییر قدرت نظامی دریایی کشور از یک قدرت منطقه‌ای به یک قدرت فرمانطقه‌ای و راهبردی از منافع کشور در سطح جهان دفاع کرد، خطوط مواصلاتی و تدارکاتی کشور را همیشه باز نگه‌داشت و از تهدید دشمن مصون داشت و از تأمین نیازمندی‌های کشور در تمام شرایط اطمینان یافت و همچنین با تهدیدات دشمن در فواصل دور مقابله کرد و با ایجاد توان تهدید متقابل منافع دشمنان در سطح اقیانوس‌ها و دریاها، از یک بازدارندگی مطمئن برای کشور برخوردار شد.

### ۳-۹- دیدگاه و جهت‌گیری نیروی دریایی در کسب اقتدار دریایی و ملی [۵]

"دریا برای یک کشور، یک فرصت بزرگ برای پیشرفت و حفظ منافع ملی است. فواید دریا برای یک کشور و یک ملت، فواید راهبردی است؛ فواید بزرگ و کلان است." این سخنان مقام معظم رهبری در سفر به بندرعباس حکایت از اهمیت بیش از پیش ظرفیت استراتژیک دریا به‌ویژه آب‌های آزاد در پیشرفت، توسعه و البته توان دفاعی کشور داشت. همچنان که مرکز استراتژیک آمریکا نیز با اطلاع از این رویکرد و راهبرد دفاعی ایران چنین آورد که "در سال ۲۰۰۷، رهبر ایران به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران دستور داد تا مناطق عملیاتی و ماموریت‌های راهبردی خود را بازتعریف کنند." در واقع براساس همین حقیقت نیز بود که گزارش مزبور خواسته بود نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا و البته کشورهای منطقه خود را با واقعیت‌های جدید قدرت دریایی ایران انطباق دهند و این بیانگر اهمیت رقابت نظامی و البته صنعتی کشورها در بهره‌گیری از ظرفیت راهبردی دریاست.

در ادبیات نظامی نیروی دریایی که بتواند ضمن حضور در سطح دریاها در عمق اقیانوس‌ها نیز به‌طور مستمر حضور و دریاوردی داشته‌باشد و مأموریت خود را به خوبی انجام دهد، یک نیروی دریایی راهبردی است. در واقع نیروی دریایی راهبردی باید از نیروی ساحلی فراتر و توان حضور در آب‌های آزاد و عمیق را داشته‌باشد.

ابعاد نظامی و اقتصادی نیروی دریایی راهبردی اساساً در شرح وظایف و ماموریت‌های محوله به نیروی دریایی ارتش، حفاظت از منافع جمهوری اسلامی در دریاها و آب‌های بین‌المللی به‌عنوان یکی از وظایف اصلی این نیرو مشخص شده است. با توجه به مطالب پیش‌گفته، بدیهی است نیروی دریایی به‌عنوان یک نیروی راهبردی باید از منافع کشور و خطوط مواصلاتی آن که در اقصی نقاط آب‌های دنیا گسترش پیدا کرده، محافظت کند، زیرا دریاها یکی از بهترین راه‌های اقتصادی در جهان هستند و در حال حاضر کشتی‌های تجاری ایران بایستی از آبراه‌ها و گلوگاه‌های مختلف دنیا عبور کنند. با توجه به این گستره جغرافیای تجاری، تأمین امنیت این جریان با توجه به پدیده دزدی دریایی با مشکلاتی نیز روبه‌رو شده و نیاز به یک نیروی دریایی با توان حضور در آب‌های آزاد و دوردست دارد که همان نیروی دریایی راهبردی است.

بنابراین جمهوری اسلامی ایران برای نشان دادن اقتدار کشور و بهره‌برداری از دریاها در جهت توسعه کشور نیاز به یک نیروی دریایی راهبردی دارد. در بعد نظامی نیز یک نیروی دریایی راهبردی عامل مؤثری در انتقال صحنه جنگ به سرزمین دشمن و همچنین عامل نفوذ و قدرت منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای است و اثر تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت یک جنگ دارد و از سوی دیگر خنثی‌کننده مزیت‌های دشمن و در زمان صلح نیز بازدارنده در برابر تهدیدات و دارای نقش مؤثر در خنثی کردن و مقابله با تهدید است.

مأموریت‌های راهبردی دوربرد نیروی دریایی ایران در چندسال اخیر با اعزام بیش از ۲۳ ناوگروه، حضور دائمی خود را در منطقه شمالی اقیانوس هند، خلیج عدن و دریای سرخ نشان داده و در ۲ مورد از مأموریت‌ها با عبور از کانال سوئز و ورود به دریای مدیترانه و همچنین اعزام زیرسطحی به دریای سرخ، مهم‌ترین مأموریت‌های تاریخ دریایی ایران را رقم زد.

اهداف این سفرها تلاش برای همکاری بیشتر و آشنایی با توانمندی‌های کشورهای دیگر و معرفی دستاوردهای بومی کشور به طور عملی به کشورهای دوست و دشمن ذکر شده بود. در این مأموریت‌ها نیروی دریایی علاوه بر نشان دادن توانایی‌های دفاعی ایران در مأموریت امنیت خطوط کشتیرانی در آب‌های ناامن، بحث آموزش با توجه به به کارگیری افراد با تجربه در کنار افراد جوان را نیز مورد توجه قرار داده بود.

با حضور زیردریایی ایران در آب‌های دور ثابت شد که نیروی دریایی ارتش ایران نه تنها در سطح دریاها نیروی راهبردی شده است بلکه زیر سطح نیز توانسته راهبردی شود که سبب اعتماد به نفس و نمایش اقتدار جمهوری اسلامی ایران در آب‌های بین‌المللی نیز شد. آزمایش سامانه‌های بهینه‌سازی شده توسط متخصصان کشور در این مأموریت‌ها و رهگیری و ضبط تمامی پارامترهای راداری و سوناری تعداد زیادی از شناورهای موجود در مسیر حرکت زیردریایی اعزامی و نیز جمع‌آوری اطلاعات مربوط به بستر آب‌های آزاد با موفقیت به انجام رسید که این امر تنها در شرایط اختفای از دید شناورهای موجود نظامی و غیر نظامی موجود در منطقه محقق شد.

بازسازی نیروی دریایی طی ۲ سال اخیر، سیستم کنترل و فرماندهی را در نیروی دریایی بهبود بخشید که این مسئله آسیب‌پذیری بالقوه آنها را کاهش داد؛ نقطه ضعفی که دشمن می‌توانست در میدان جنگ از آن نهایت استفاده را برد. مسئولیت اصلی نیروی دریایی سپاه در خلیج فارس، امتیازات طبیعی یک نیروی کوچک، سریع و نامتعارف را در این منطقه استراتژیک چندین برابر می‌کند. ضمناً، ساختار جدید به یگان‌های حرفه‌ای نیروی دریایی ارتش اجازه می‌دهد تا از تجهیزات اقیانوس‌پیما در خارج از مناطق محدود خلیج فارس بهره گرفته و به آب‌های منطقه‌ای نیز دسترسی یابند. تقسیم‌بندی مناطق عملیات بر پیچیدگی و عمق پدافند دریایی ایران می‌افزاید به طوری که نیروی دریایی ارتش می‌تواند از دریای عمان برای استقرار سامانه‌های پدافند موشک‌های سطحی، زیرسطحی و کروز در امتداد سواحل جنوب شرقی تنگه هرمز استفاده کند. نوسازی تولیدات داخلی تحولات نیروی دریایی ایران فراتر از استقرار تجهیزات نظامی است و تا ساخت تجهیزات نظامی در داخل پیش می‌رود. از سال ۲۰۰۷ روند تأمین تجهیزات مورد نیاز از خارج و نیز ساخت تجهیزات نظامی در داخل بر اصل خوداتکایی و عدم تقارن استوار بود. زیردریایی‌های مدل غدیر با هدف پشتیبانی از عملیات شناسایی در مناطق ساحلی یا نقاط حساس (از جمله تنگه هرمز)، مین‌گذاری، ممانعت یا نفوذ نیروها طراحی شدند. تا به امروز، نیروی دریایی ارتش ایران تعداد زیادی از زیردریایی کوچک در دست تولید داشته و تعدادی را نیز به خدمت گرفته شده است.

راهبرد در حال تکامل نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با حضور در آب‌های آزاد ابهامات مهمی را برای آمریکا و نیروهای ائتلاف به وجود آورده است؛ امری که باعث شد مرکز استراتژیک آمریکا به واشنگتن پیشنهاد بدهد تا در راستای ارتقای امنیت دریایی و تعامل با ایران با نیروی دریایی ارتش ارتباط برقرار کند. هرچند سیاست اعمال تحریم و انزوا ممکن است ابزارهای مفیدی در کوتاه‌مدت باشند.

#### ۴-۹- آمایش سرزمینی (با تمرکز بر وضعیت توسعه یافتگی منطقه جنوب شرق و سواحل مکران/ محل استقرار نیروی دریایی راهبردی) [۶]

مفهوم آمایش به فضاهای جغرافیایی اعم از فضای سرزمینی کشور و یا منطقه ای و شبکه ارتباطات درونی و نحوه سامان گیری آن‌ها در چارچوب عوامل و روابط فیزیکی، طبیعی، اجتماعی و اقتصادی توجه دارد و به عبارتی تلفیقی از سه علم جغرافیا، اقتصاد و جامعه شناسی و شامل اقدامات ساماندهی و نظام بخشی به فضای طبیعی اجتماعی اقتصادی و ملی است. در واقع آمایش سرزمین با توجه به عامل انسان، محیط و منابع، نحوه استفاده بهینه از منابع و امکانات و چگونگی استقرار انسان‌ها در فعالیت‌ها را در فضای جغرافیایی ملی و منطقه‌ای سامان می‌دهد.

مدیریت آمایش سرزمین هم دانش، هنر و فن چگونگی برنامه ریزی، سامان دهی در زمینه استقرار و آرایش مطلوب جمعیت، فعالیت‌ها، تأسیسات و تسهیلات و وسایل ارتباطی مورد نیاز زندگی پایدار انسان‌ها در جهت بهبود شرایط زیست طبیعی و اجتماعی در گستره فضای جغرافیای کشور و مناطق مختلف است. پس بنابراین آمایش سرزمین با دیدگاه همه جانبه و آینده نگر و راهبردی، با در نظر گرفتن محدودیت‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی در فضاهای جغرافیایی (ملی و منطقه ای) و نیازهای سنجیده و منطقی جامعه و اقتصاد، درصدد برقراری تعادل و توازن زیست-محیطی و ایجاد فرآیند توسعه پایدار سرزمین است.

حال با تبیین مفهوم آمایش سرزمین و مدیریت بر آن، وضعیت کشور جمهوری اسلامی ایران با مقایسه دو منطقه شمال غربی و جنوب شرقی نسبت به همدیگر و در سطح ملی بدین صورت است که منطقه جنوب شرق به جز شاخص وسعت، مرز دریایی و ذخائر معدنی در سایر موارد از قبیل جمعیت، اشتغال، جاده ریلی، جاده اصلی، بزرگراه، بیمارستان و دانشجو اختلاف بسیاری با منطقه شمال غربی دارد.



## ۵-۹- تحلیلی بر وضعیت توسعه یافتگی استان سیستان و بلوچستان به بعنوان پشتیبان، عقبه اساسی و نقطه مبدأ اعمال اقتدار دریایی و سیادت دریایی.

توسعه یکی از مفاهیم جاری و پر مصرف است؛ از مطالب روزنامه‌ها و نشریه‌ها گرفته تا متون سیاسی، اداری و علمی، از محاورات روزمره تا مناظره‌های سیاسی و فرهنگی همه و همه به این مفهوم ارجاع می‌دهند. بارها و بارها واژه توسعه مورد استفاده و استناد قرار می‌گیرد، بی آنکه گویندگان و یا نویسندگان توافق روشنی درباره این مفهوم داشته باشند. اقتصاد توسعه، به عنوان بخشی از علم اقتصاد، جامعه‌شناسی توسعه نیز به عنوان حوزه‌ای از جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، علوم سیاسی و مدیریت و غیره از جمله علمی هستند که هر یک موضوع و مفهوم توسعه را به نوعی و از منظری مورد توجه قرار می‌دهند. در هر یک از دانش‌ها و علمی که نام برده شد نظریه‌های گوناگونی درباره توسعه ارائه و نظریه‌های رقیب به موازات یکدیگر و گاه در مقابل یکدیگر ظاهر شده‌اند، اما در تمامی این تلاش‌های نظری از نظریه‌های کلاسیک تا تئوری‌های پست مدرن، آنچه مطرح نظر بوده بهبود سطح زندگی مردم است. بر همین سیاق در مقاله حاضر، آن بخشی از شاخص‌های توسعه در استان سیستان و بلوچستان مورد توجه قرار گرفته که با زندگی روزمره مردم در ارتباط بوده و تغییر در آن شرایط و بهبود شاخص‌های مورد بررسی می‌تواند به کاهش رنج‌ها و دردها مردمان این بخش از دیارمان یاری رساند. [۷]

### ۱-۵-۹- موقعیت جغرافیایی استان [۸]

استان سیستان و بلوچستان به عنوان پهناورترین استان کشور با وسعتی حدود ۱۸۱۷۵۸ کیلومتر مربع، در جنوب شرقی کشور قرار گرفته است. استان سیستان و بلوچستان از دو منطقه سیستان و بلوچستان تشکیل می‌شود. اکثریت سیستانی‌ها شیعه و اکثر بلوچ‌ها سنی مذهب هستند. این استان از شمال به استان خراسان جنوبی و کشور افغانستان، از شرق به کشورهای پاکستان و افغانستان، از جنوب به دریای عمان و از مغرب به استان‌های کرمان و هرمزگان محدود می‌شود.

شمال استان یعنی منطقه سیستان با دو مشخصه اقلیمی و جغرافیایی یعنی بادهای ۱۲۰ روزه و وجود رودخانه هیرمند و دریاچه هامون به عنوان بزرگترین دریاچه آب شیرین جهان شناخته می‌شود. ولی خشکسالی مزمن و دیرینه و همچنین محدودیت‌هایی که دولت افغانستان بر راه سرریز آب رودخانه هیرمند ایجاد کرده در کنار بادهای موسمی و نیز گرمای هوا موجب شده است تا این منطقه از خشکسالی شدیدی در رنج باشد.

هرچند منطقه جنوبی استان یعنی بلوچستان دارای طبیعتی کوهستانی است اما در این حوزه نیز گرمای زیاد و فقدان بارندگی موجب کم آبی گسترده شده است. وجود قله نسبتاً بلند تفتان در این منطقه بر تنوع اقلیمی بلوچستان افزوده است.

### ۲-۵-۹- شاخص‌های جمعیتی استان [۹]

استان سیستان و بلوچستان شامل ۱۰ شهرستان به نام‌های ایرانشهر، چابهار، خاش، زابل، زاهدان، زهک، سراوان، سرباز، کنارک و نیک‌شهر است. همچنین این استان پهناور از ۳۷ بخش، ۳۲ شهر و ۹۸ دهستان تشکیل شده است. بزرگترین و پر جمعیت‌ترین شهر استان، زاهدان و کم جمعیت‌ترین شهر این استان شهر کوچک سرباز است. نتایج سرشماری ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که جمعیت استان سیستان و بلوچستان ۲۵۳۴۳۲۷ نفر است. جمعیت استان در سرشماری ۱۳۸۵ برابر با ۲۴۰۵۷۴۲ و در سرشماری ۱۳۷۵ برابر با ۱۷۲۲۵۷۹ نفر گزارش شده بود.

استان سیستان و بلوچستان از نظر نرخ رشد جمعیت نسبت به سایر نقاط کشور و نیز میانگین کشوری وضعیت متفاوتی دارد. این تفاوت‌ها را چنین می‌توان نشان داد: نخست آنکه نرخ رشد جمعیت استان از میانگین کشوری بالاتر است. دوم، نرخ رشد جمعیت استان سیستان و بلوچستان در سه سرشماری اخیر از نرخ رشد کشوری بالاتر بوده است. یکی از بالاترین نرخ‌های رشد جمعیت کشور به این استان اختصاص دارد.

بالاتر بودن نرخ رشد جمعیت در استان سیستان و بلوچستان هم شامل مناطق روستایی است و هم شهری. یعنی هم نرخ رشد جمعیت در مناطق روستایی و هم نرخ رشد جمعیت در حوزه‌های شهری سیستان و بلوچستان بالاتر از نرخ کشوری است و این نتایج نشان می‌دهد که علیرغم موفقیت کشور در اجرای سیاست‌های کنترل مولید؛ این سیاست‌ها در این استان توفیق چندانی نداشته‌اند. پرسش آن است که آیا این نرخ بالای رشد جمعیت ناشی از ضعف و کم‌کاری دستگاه‌های بهداشتی مستقر در منطقه است؟ یا رشد جمعیت تحت تأثیر آموزه‌های مذهبی در منطقه است؟ آیا میان فقر عمومی در منطقه و رشد جمعیت رابطه وجود دارد؟ و پرسش‌های دیگری از این است که بی پاسخ مانده‌اند. این دلایل و علل هر چه باشد، نرخ بالای رشد جمعیت می‌تواند به عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه نیافتگی منطقه قلمداد شود.

گسترده‌گی استان و نیز خشکی و غیر قابل سکونت بودن برخی مناطق استان موجب شده تا در این استان پهناور تراکم نسبی جمعیت بسی کم‌تر از دیگر مناطق ایران و معدل کشوری باشد.

افزون بر رشد بالای جمعیت یکی دیگر از ویژگی‌های جمعیتی استان نسبت بالای خانوارهایی<sup>۱</sup> با تعداد بیش از پنج نفر است. در حالی که ۲۱/۳۲ درصد از خانوارهای کل کشور دارای پنج نفر و بیشتر هستند، در سیستان و بلوچستان این نسبت بیش از نیمی از خانوارهای استان را شامل می‌شود.

### ۳-۵-۹- شاخص‌های توسعه استان [۱۰]

یکی از بهترین شاخص‌های معرف توسعه اجتماعی و نیز توسعه پایدار میزان با سوادی است. میزان با سوادی جمعیت شش ساله و بالاتر استان سیستان و بلوچستان در مجموع و نیز به تفکیک شهر و روستا از معدل کشوری پایین‌تر و حتی در رتبه آخر استان‌های کشور قرار دارد. در حالی که میانگین ۶۱/۸۴ درصد جمعیت شش ساله‌ها و بالاتر کشور با سواد هستند در استان سیستان و بلوچستان این نسبت ۰۱/۶۸ درصد است. به سخن دیگر حدود ۳۲ درصد از جمعیت لازم‌التعلیم استان بی سوادند. این نسبت برای مناطق روستایی استان ۸۲/۵۹ درصد است. یعنی حدود ۴۰ درصد روستائیان لازم‌التعلیم بی سوادند. شکاف بالای معدل کشوری با وضعیت استان نشان می‌دهد از نظر شاخص سواد وضعیت استان سیستان و بلوچستان بسیار نامناسب است.

از مجموع ۱۶۰۱۸ کارگاه صنعتی کشور، ۸۶/۰ درصد (هشتاد و شش صدم درصد) از کارگاه‌های صنعتی در استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. این آمار نشان می‌دهد که سهم استان از کارگاه‌های صنعتی کشور حتی به یک درصد هم نمی‌رسد. وجود ۵ کارگاه صنعتی دارای ۱۰۰ نفر و بیشتر کارکنان در استان، از مجموع ۱۹۸۲ کارگاه در کشور، نشان می‌دهد این نسبت برای این دست از کارگاه‌ها به ۰.۲۵ درصد (بیست و پنج صدم درصد) هم نمی‌رسد.

در حوزه بهره‌برداری از معادن وضعیت استان سیستان و بلوچستان تفاوت چندانی با وضعیت واحدهای صنعتی ندارد. وجود تنها ۳۶ معدن در حال فعالیت با ۷۸۵ نفر شاغل نشان‌دهنده نقش حداقلی معادن در ساختار اقتصادی منطقه است. سهم استان از شاغلان بخش معدن حدود یک درصد از کل شاغلان کشوری است. سهم معادن در حال بهره‌برداری نیز در همان حدود یک درصد معادن در حال بهره‌برداری کشور را تشکیل می‌دهد.

از نظر تعداد مؤسسات درمانی و تعداد تخت بیمارستانی به عنوان شاخص‌های بهداشتی نیز متأسفانه وضعیت استان سیستان و بلوچستان چندان رضایت‌بخش نیست. وجود تنها ۱۳ مؤسسه درمانی در این استان پهنانور در سال ۱۳۸۵ به معنای محرومیت شدید استان در بخش درمان و پزشکی است. ۲۱۱۷ تخت نیز برای بستری شدن بیماران در استان تأییدی بر این محرومیت است. در حالی که استان سیستان و بلوچستان بیش از ده درصد از وسعت کشور را در بر می‌گیرد و حدود ۴۱/۳ درصد جمعیت کشور نیز در استان ساکن می‌باشند اما سهم مؤسسات درمانی کشوری مستقر در استان ۶۸/۱ درصد و سهم تخت بیمارستانی ۸۲/۱ درصد گزارش شده است.

از نظر شاخص‌های فرهنگی و ورزشی نیز وضعیت استان در مقایسه با میانگین کشوری چندان مثبت نیست. به عنوان نمونه می‌توان به وضعیت نشر کتاب و یا نشریات محلی اشاره کرد. در سال ۱۳۸۵ تنها ۲۳ جلد کتاب در سطح استان منتشر شده است. از این تعداد ۹ مورد تألیف و ۱۴ مورد ترجمه است. همچنین در سال ۱۳۸۵ در استان پهنانور سیستان و بلوچستان تنها یک سینما فعال بوده است. ظرفیت این سینما ۴۷۰ نفر گزارش شده است. جالب آنکه این سینما نیز نه در مرکز استان یعنی زهدان، بلکه در زابل فعال بوده است. بنا بر گزارش سالنامه آماری، استان در سال‌های گذشته دارای ۳ سینمای فعال بوده است که در سال ۱۳۸۵ به یک سینما کاهش یافت. همچنین در سال ۱۳۸۵ در سطح استان ۱۶ نشریه با ۴۱۰۰۰ تیراژ ماهانه منتشر شده است. استخرهای فعال استان نیز از ۹ استخر فعال در سال ۱۳۸۲ به ۴ استخر در سال ۱۳۸۵ تقلیل یافته‌اند. همچنین در چند دهه اخیر و به دنبال گسترش دانشگاه‌های استان میزان اشتغال به تحصیل جوانان استان در سطوح مختلف دانشگاهی روز به روز گسترش قابل توجهی داشته است. تربیت نیروی متخصص مورد نیاز این استان و سایر نقاط کشور می‌تواند یکی از کارکردهای این وضعیت باشد. اما در کنار این کارکرد مثبت؛ در دو دهه اخیر تغییر الگوی پذیرش دانشجو و حرکت به سوی محلی‌گزینی و بومی‌گردانی دانشگاه‌ها می‌تواند پیامدهای منفی به دنبال داشته باشد. هم‌اینک بیش از ۹۵ درصد از داوطلبان استان سیستان و بلوچستان در دانشگاه‌های سطح استان پذیرفته می‌شوند. این رقم بالای بومی‌گزینی دانشجو از چند جنبه می‌تواند مورد بازنگری قرار گیرد.

از سویی استان سیستان و بلوچستان یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور است و پذیرش دانشجوی بومی در دانشگاه‌های کشور نوعی «بی‌عدالتی آموزشی» را دامن می‌زند و اثرات آن تا مدت‌ها ماندگار و ملموس خواهد بود از آنجایی بسیاری از امکانات آموزشی، اساتید مجرب و فرصت‌های علمی در تهران، اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز و چند نقطه دیگر از کشور متمرکز شده است. آیا این عادلانه است که دانشجوی تهرانی و اصفهانی و

۱- خانوار چند نفره که با هم در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند و با یکدیگر هم‌خرج هستند و معمولاً با هم غذا می‌خورند یک خانوار را تشکیل می‌دهند. بنابراین لازم نیست اعضای یک خانوار حتماً با یکدیگر رابطه خویشاوندی داشته باشند. بدین معنی که خانوار لزوماً با خانواده یکی نیست، فردی که به تنهایی زندگی می‌کند نیز خانوار تلقی می‌شود.

تبریزی در تهران و اصفهان و تبریز بتوانند تحصیل کنند، اما دانشجوی منطقه محروم سراوان در دانشگاه‌های به نسبت محروم استان؟ همچنین این وضعیت می‌تواند در آینده به بازتولید گسترده محرومیت و گسترش نابرابری توسعه‌ای در مناطق مختلف کشور در این مناطق منجر شود. آیا سطح آموزش و دسترسی به منابع علمی و کمک آموزشی و استاد و پژوهش در همه مناطق کشور همسنگ است؟ پیامد این نابرابری به جز در فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و جامعه و استان مربوطه در کجا نمایان می‌شود؟ مگر غیر از این است که این فارغ‌التحصیلان باید مسئولیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حرکت به سوی توسعه را بر دوش بگیرند؟ ضمن آنکه به دلیل تمرکز امکانات صنعتی، علمی، فرهنگی و اقتصادی و پژوهشی کشور در چند مرکز کشور اگر دانشجویی در این مراکز پذیرفته شود در حین تحصیل فرصت استفاده از این ظرفیت‌ها را یافته و البته دیگران در این خصوص محروم خواهند بود. آیا با عدالت اجتماعی سازگار است که گروهی در دوران تحصیل ماقبل دانشگاهی در منطقه‌ای محروم، در همان منطقه هم در دانشگاه پذیرفته شوند و البته فرصت‌های دسترسی کمی به مراکز علمی، پژوهشی و اقتصادی و صنعتی داشته باشند و گروهی بالعکس از ابتدای تحصیل در منطقه‌ای برخوردارتر شروع کنند و تا انتهای تحصیل از مزایای آن منطقه هم برخوردار باشند. علاوه بر این محلی‌گزینی و بومی‌گردانی دانشگاه‌ها امکان انتخاب و حق انتخاب را از داوطلبان سلب می‌کند. اگر داوطلب تهرانی مایل به ادامه تحصیل در بلوچستان باشد امکان بسیار کمی خواهد داشت. و یا داوطلب همدانی نمی‌تواند در یزد تحصیل کند و این گذشته از آنکه با عدالت سازگار نیست و حق انتخاب ملی را نادیده می‌گیرد، نشان می‌دهد که از این به بعد ایرانیان برای حضور در گوشه و کنار کشور (به جز محل سکونت) نیازمند مقدمات بسیاری همراه با موانع گوناگونی هستند. گسترش محلی‌گرایی، عدم دسترسی به فرصت‌های اقتصادی برای مناطق محروم‌تر و از همه بدتر گسترش احساس غریبگی در میان ایرانیان. از پیامدهای اینگونه طرح‌ها است که بدون جامع‌نگری و صرفاً با نگاهی بخشی‌نگر به برنامه‌ریزی می‌پردازد.

از طرف دیگر «عدم ارتباط و قطع ارتباط نخبگان مناطق محلی با نخبگان و مردم دیگر نقاط ایران» کارکرد منفی دیگر اینگونه طرح‌ها است و انسجام ملی و همبستگی ملی ایرانیان به عنوان یک استراتژی و راهبرد مهم از منظر طراحان اینگونه طرح‌ها مغفول مانده و خساراتی بر آن وارد می‌شود. آمد و شد نخبگان علمی مناطق مختلف کشور به اقصی نقاط کشور ضمن ایجاد زمینه مفاهمه و ارتباط گسترده‌تر و آشنایی ایرانیان با یکدیگر زمینه نزدیکی بیشتری میان آنان را فراهم کرده و در یک منظر کلان و آینده‌نگر منافع ملی را مطمح نظر قرار خواهد داد. با اجرای اینگونه طرح‌های بخشی‌نگر به جز کشیده شدن دیواری بلند میان ایرانیان چه چیزی به دست می‌آید؟ در این طرح جایگاه ملی‌اندیشی کجاست؟ کارکرد گسترش محلی‌گرایی رودررو قرار گرفتن محلی‌اندیشی با ملی‌اندیشی است و البته در این کارزار، ملی‌اندیشی مغلوب محلی‌اندیشی خواهد بود.

یکی از مباحثی که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد شاخص ازدواج و طلاق است. در سال ۱۳۸۵ در کل کشور نسبت طلاق به ازدواج ۰۸/۱۲ درصد و در مناطق شهری ۱۵/۱۴ درصد و در مناطق روستایی ۸۸/۶ درصد گزارش شده است. میزان طلاق در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان با ۱۲/۲ درصد یکی از پایین‌ترین نرخ‌های طلاق در کشور محسوب می‌شود. نسبت طلاق به ازدواج در مناطق شهری نیز ۲/۶ درصد و در کل استان ۴۸/۴ درصد گزارش شده است. همه این آمارها نشانگر نرخ پایین طلاق در سطح استان در مقایسه با کل کشور می‌باشد.

یکی دیگر از ویژگی‌های جمعیتی استان بنا بر موقعیت مرزی استان، حضور تعداد زیادی از اتباع خارجی به ویژه اتباع افغانستان و پاکستان است. بنا بر آمارهای مربوط به سرشماری ۱۳۸۵ از مجموع ۲۴۰۵۷۴۲ نفر جمعیت سرشماری شده استان حدود ۱۱۲۳۲۹ نفر دارای تابعیت افغانی و ۴۵۷۹ تابعیت پاکستانی

آمارهای ارایه شده در بخش‌های پیشین نشان می‌دهد از نظر شاخص‌های توسعه انسانی و توسعه اقتصادی و اجتماعی این بخش مهم از ایران یعنی استان سیستان و بلوچستان وضعیت رضایت‌بخشی ندارد. دروازه ایران به شرق به ویژه شبه قاره هند یعنی استان سیستان و بلوچستان با ساحل طولانی بر کرانه دریای عمان، متأسفانه با مشکلات عدیده‌ای روبرو است. گستردگی زیاد سرزمینی، همسایگی زمینی با دو کشور پاکستان و افغانستان، در مجاورت آب‌های بین‌المللی و اقیانوس هند، قرار گرفتن در نزدیکی مراکز تولید مواد مخدر در آن سوی مرزها و برخی تحرکات نظامی گروه‌های سیاسی مسلح و حضور گسترده مهاجرین افغانی بر اهمیت این استان افزوده است. برای مطالعه‌ای که توسط راقم این سطور درباره وضعیت استفاده از مدیران بومی و محلی در چند استان قومی کشور صورت گرفت، مطابق با دسته‌بندی‌های نظام اداری کشور، مدیران در سه سطح عالی، مدیران میانی و مدیران پایه دسته‌بندی شده‌اند. منظور از مدیران عالی، استانداران، معاونان استاندار، مدیران عامل بانک‌ها و رؤسای دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها می‌باشد. مدیران میانی شامل معاونین رؤسای دانشگاه‌ها، مدیران کل استانداران، رؤسای سرپرستی‌ها و منطقه‌های بانک‌ها، شهرداران مراکز استان‌ها، فرمانداران مراکز استان و شهرستان‌های بیش از ۳۰۰ هزار نفر جمعیت، رؤسای دانشکده‌ها، رؤسای بیمارستان‌های بزرگ و رئیس مرکز آموزش مدیریت دولتی استان، فرمانداران شهرستان‌ها و معاونان فرماندار، مدیران عامل و معاونان مدیران عامل شرکت‌های استانی، رؤسای بیمارستان‌های کوچک، مدیران مراکز آموزش کشاورزی و امثال این دسته از مدیران را شامل می‌شوند. مدیران معمولی یا پایه هم شامل رؤسای ادارات، بخشداران، معاونان دادگستری شهرستان‌ها و مدیران مشابه است.

در سال ۱۳۸۲ اکثریت قابل ملاحظه‌ای از مدیران این استان ۶/۶۵- درصد- یعنی ۵۲۵ نفر از ۸۰۰ مدیر این استان بومی هستند. هر چند در میان مدیران عالی مدیران بومی حضور ندارند اما این آمارها نشان می‌دهد اکثر مدیران استان بومی هستند. افزایش شمار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و ارتقای انتظارات مردم منطقه موجب شده بود تا در اوایل دهه هشتاد آمار مدیران محلی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. اگر چه این آمار نشان نمی‌دهد چه تعداد از مدیران استان سیستانی یعنی شیعه مذهب و چه تعداد سنی مذهب و بلوچ می‌باشند. ولی شواهد نشان می‌دهد در سطح استان و در سطح کشور نخبگان و تکنوکرات‌های سنی مذهب کمتر در موقعیت شغلی و مدیریتی عالی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

یکی دیگر از داده‌های مربوط به موضوع توسعه، شاخص‌های مربوط به اشتغال است که وضعیت آن به شرح زیر است: [۱۱]

مسئله اشتغال که یکی از اساسی‌ترین چالش‌های همه مناطق کشورمان است و در استان سیستان و بلوچستان که به لحاظ شاخص‌های توسعه فاصله‌های زیادی با سایر مناطق دارد از اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردار است.

اشتغال پدیده ساده ای نیست و دارای ابعاد و جوانب گوناگون می‌باشد و تمام عوامل اقتصادی و اجتماعی که بر توسعه به طور کلی مؤثرند، یا از آن تأثیر می‌پذیرند بر روی اشتغال نیز کنش و واکنش دارند، ساختار اجتماعی - اقتصادی توسعه نیافته استان زمینه مناسبی برای سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های شغلی فراهم نیاورده است. از سوی دیگر ارتقاء شاخص‌های توسعه به ویژه شاخص‌های توسعه انسانی مستلزم ایجاد فرصت‌های شغلی و اشتغال مولد می‌باشد، بنابراین ایجاد اشتغال در این استان علاوه بر اهداف اقتصادی که افزایش تولید و درآمد را برای جمعیت و اقشار فقیر و محروم جامعه را پیدا می‌کند و اتخاذ سیاست‌های اشتغال زایی به منظور توزیع مجدد درآمد و رفع محرومیت و فقرزدایی را ضروری می‌سازد.

استان سیستان و بلوچستان دارای ویژگی‌های متمایزی است که ضرورت تأمین اشتغال و کاهش مشکل بیکاری را بیش از پیش آشکار می‌نماید براساس یافته‌های گزارش توسعه انسانی کشور استان سیستان و بلوچستان در مقایسه با سایر استانهای کشور از لحاظ شاخص‌های توسعه انسانی در پایین‌ترین رده‌ها قرار گرفته، به ویژه از لحاظ شاخص فقر. که میزان محرومیت را در سه زمینه طول عمر، تحصیلات و درآمد نشان می‌دهد استان بدترین شرایط را داشته است. در مناطقی مانند سیستان و بلوچستان ایجاد اشتغال مفهوم ایجاد درآمد برای گروه‌ها و جمعیت‌های فقیر را دارد و سیاست‌های اشتغال برای گسترش عدالت اجتماعی و توزیع مجدد درآمدها می‌بایست اتخاذ شود. فقر و محرومیت شدید بخصوص در مناطق روستایی و تراکم بسیار کم جمعیت و پراکندگی شدید مراکز جمعیتی، سرمایه‌گذاری در این مناطق را فاقد توجیه اقتصادی ساخته است و در مقایسه با سایر استانها سرمایه‌گذاری صورت گرفته و در نتیجه زمینه اشتغال مولد کمتر فراهم گردیده است.

همچنین این استان به دلیل موقعیت ویژه جغرافیایی صحنه بروز مشکلات است که پدیده مبادلات غیررسمی و قاچاق از جمله آنها است.

توان بخشی خصوصی استان برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید به دلایل گوناگون از جمله دوربودن استان از مراکز و محورهای اصلی توسعه کشور، کمبود منابع سرمایه‌ای و محدودیتهای زیربنایی. ناآشنایی به رشته فعالیت‌های جدید، بازده ناچیز فعالیتهای تولیدی در مقایسه با فعالیتهای غیررسمی و بی بهره بودن از خصوصیات کارفرمایی بر اثر موانع اجتماعی و فرهنگی چندان بالا نیست. در حال حاضر حدود ۶۸ درصد از شاغلان استان در بخش خصوصی مشغول به کار هستند که در مقایسه با سایر استانها نسبت پایینی است

طبق آمارهای مرکز آمار ایران بیشترین کاهش آمار بیکاری در طی ۵ سال در کل کشور مربوط به استان سیستان و بلوچستان است که از رقم ۳/۳۵ درصد بیکاری در سال ۱۳۸۰ به ۹/۱۰ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است. به هیچ وجه معلوم نیست که چگونه در طی پنج سال نرخ بیکاری به این صورت کاهش یافته است. به ویژه آنکه در حوزه تاسیس واحدهای صنعتی اشتغال‌زا و یا در بخش‌های خدماتی، معادن، کشاورزی و دامداری استان نیز دگرگونی خارق‌العاده‌ای ظهور و بروز نداشته است. هر چند که در همین آمارهای مهم و متناقض نیز نرخ دو رقمی بیکاری نشانگر وضعیت نامطلوب اشتغال در این استان می‌باشد.

## ۹-۶- ژئوپلیتیک دریای عمان و اقیانوس هند

### ۹-۶-۱- دریای عمان

دریایی در جنوب شرقی ایران است که در حقیقت ادامه اقیانوس هند است. از شمال به سواحل ایران و از جنوب به دریای عربی و کشور عمان محدود است و مدار رأس‌السرطان از جنوب آن می‌گذرد. عرض آن از دماغه حد، در شمال شرقی کشور عمان، تا بندر گواتر، در منتهی‌الیه جنوب شرقی ایران (در مرز ایران و پاکستان)، حدود ۳۲۰ کیلومتر و طول آن حدود ۵۶۰ کیلومتر است. در شمال غربی از طریق تنگه هرمز، در شمال شبه جزیره مُسندَم، به خلیج فارس می‌پیوندد. بندرهای آن در جنوب (در سواحل کشور عمان) صُور، مسقط، مَطرح، خابوَرَه و صُحار است.

جزایر قشم و هرمز در جانب شمال غربی آن، در مدخل خلیج فارس، و بندرعباس در ساحل ایران در چهارده کیلومتری شمال غربی جزیره هرمز قرار دارد. از قدیم در ساحل جنوبی آن، کشور مَزُون (نام فارسی عمان) قرار داشت که مرکز آن صحار بود و ظاهراً نخستین ساکنان آن از اقوام غیر عرب ایرانی بودند. با نگاهی به تاریخ مناطق ساحلی خلیج فارس، درمی یابیم که وجود نیروی دریایی ایران بیش از سایر نیروهای نظامی در سواحل دریای عمان و خلیج فارس می تواند مفید باشد.

### ۲-۶-۹- کشور عمان

پایتخت کشور عمان شهر مسقط می باشد. کشور عمان در سال ۱۶۵۱ از کشور پرتغال استقلال یافت. نوع حکومت آن سلطنت مطلقه و زبان رسمی عربی می باشد. براساس برآورد سال ۲۰۰۵ جمعیت این کشور ۲/۵۰۸/۸۳۷ نفر بوده که ۷/۵ نفر در هر کیلومتر مربع تراکم جمعیت دارد. مساحت کل کشور عمان ۳۰۹۵۰۰ کیلومتر مربع است

از نظر موقعیت راهبردی، کشور عمان در منتهی الیه شرق و جنوب شرقی شبه جزیره عربستان بین منطقه جغرافیایی ۱۶/۴۰ تا ۲۶/۲۰ درجه عرض شمالی و ۵۰/۱۵ تا ۵۹/۴۰ درجه طول شرقی واقع شده است. سرزمین عمان به صورت یک کمر بند ساحلی در حد فاصل بین ربع الخالی و دریای عرب قرار گرفته است. تا اوایل قرن ۱۹ میلادی به تمامی نواحی شرقی شبه جزیره عربستان، عمان اطلاق می شد که بعدها به ۲ قسمت تقسیم گردید. یکی عمان متصل شامل ۷ امارت و دیگری سرزمین اصلی عمان که زمانی مسقط نیز از توابع آن محسوب می شد. اهمیت راهبردی عمان علاوه بر شبه جزیره مسندم و کرانه های جنوبی تنگه هرمز موقعیت ویژه این کشور در غرب اقیانوس هند است. افزون بر بندر مسقط، عمان دارای جزایر راهبردی دیگری در طول سواحل خود می باشد که مهمترین آنها جزیره مصیره و جزایر کوریا و موریا است. شبه جزیره مسندم بر تنگه هرمز و خطوط کشتیرانی بین المللی در این ناحیه مسلط بوده و یکی از نقاط حساس و ژئوپلیتیکی جهان به حساب می آید. موقعیت کوهستانی خاص بخش جنوبی تنگه هرمز، به دولت عمان امکان دفاع بهتر از این کشور را می دهد. [۱۲]

به طور خلاصه باید گفت، اهمیت راهبردی عمان از سه بعد عبارت است از: ۱- قرار گرفتن در کرانه های جنوبی تنگه هرمز از طریق شبه جزیره مسندم ۲- موقعیت ویژه این کشور در غرب اقیانوس هند ۳- در اختیار داشتن جزایر استراتژیک مانند جزیره مصیره و جزایر کوریا و موریا می باشد. جزیره مصیره نیز که در قسمت جنوب شرقی شبه جزیره عربستان و در مقابل سواحل عمان قرار دارد، از موقعیت بسیار مهمی برخوردار بوده و از دیرباز پایگاه نظامی انگلیس بوده است.

از نظر موقعیت دریایی و ساحلی، کرانه های این سرزمین در شمال در دنباله کرانه های امارات راس الخیمه امتداد یافته و بطرف شمال پیش می رود و پس از آن که شبه جزیره مهم رأس المسندم را در بر می گیرد در کناره دریای عمان و دریای عرب تا مرز یمن امتداد می یابد. سواحل عمان به طول بیش از ۱۷۰۰ کیلومتر در خلیج فارس و دریای عمان گسترده است. [۱۳]

### ۳-۶-۹- اقیانوس هند

اقیانوس هند با داشتن منابع وسیع معدنی و در بر گرفتن ۴۷ کشور که بیش از یک سوم جمعیت کل جهان را دارا می باشد، به عنوان منبع مهم مواد خام و بازار وسیع محصولات صنعتی جهان، به شمار می رود. با این حال منافع غرب فقط در خلیج فارس و بخش شمالی اقیانوس هند محدود است. منافع غرب و قدرت های غربی در اقیانوس هند به نظر می رسد که بیشتر در جهت دسترسی بدون مانع به خلیج فارس باشد. مادام که جهان به ویژه اقتصاد غرب با نفت تغذیه می شود، خلیج فارس و منابع آن همچنان منابع حیاتی غرب را تشکیل می دهد. برآوردهای وزارت انرژی آمریکا نشان می دهد که این کشور ۵۰ درصد نفت خود را وارد می کند، در حالی که ژاپن ۱۰۰ درصد و اروپای غربی ۷۰ درصد به واردات نفت متکی هستند. از آن جا که کشورهای خلیج فارس ۶۶ درصد منابع تثبیت شده نفت جهان را دارا می باشند، به نظر می رسد این کشورها عرضه کننده سهم اصلی واردات نفت کشورهای غربی باشند. [۱۴]

ناحیه شمال غربی اقیانوس هند که شامل خلیج فارس، کشورهای ساحلی آن و راه های مواصلات دریایی می شود، یکی از مناطق بسیار مهم جهان به شمار می رود. اهمیت مذکور بیشتر از وجود منابع سرشار نفت در خلیج فارس ناشی می شود، به طوری که بیش از ۳۶۵ میلیارد بشکه نفت (به گفته خبرگزاری جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۲ به میزان ۳۴ میلیارد بشکه نفت جدید در منطقه عسلویه کشف گردید) در زیر توده های سخت شنی سواحل خلیج فارس و آب های کم عمق آن انباشته شده است. این مقدار در حدود ۶۶ درصد از منابع شناخته شده نفت جهان است. همچنین خلیج فارس به لحاظ در بر داشتن ۷۶ تریلیون متر مکعب منابع گاز طبیعی که حدود ۳۰ درصد ذخایر گاز طبیعی جهان را تشکیل می دهد، از اهمیت خاصی برخوردار شده است [۱۵]

اقیانوس هند و کشورهای ساحلی آن اهمیت قابل ملاحظه و رو به رشد داشته و اکثر مسلمانان جهان را در خود جای داده است و همچنین دو قدرت هسته ای مهم هند و پاکستان در این حوزه ژئوپلیتیکی هستند. کناره های اقیانوس هند و خلیج فارس دقیقاً در این منطقه حساس یعنی در محل

تلاقی محورهای بزرگ ارتباطی زمینی، که خاور دور را به آفریقا و اروپا و هند متصل می‌سازد، قرار دارد. از طرفی گسترش اقیانوس هند از تنگه مالاکا به تنگه هرمز و از سواحل آفریقا تا سواحل غربی استرالیا می‌باشد که به اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه به‌طور فزاینده‌ای اعتبار می‌بخشد.

## ۷-۹- جنگ‌های آینده دریایی و تأثیر آن بر نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران

همواره در طول تاریخ، حاکمیت بر آب‌راه‌ها، دریاها و اقیانوس‌ها از طریق در اختیار گرفتن سرزمین‌های مشرف به مناطق آبی، ایجاد پایگاه‌های موقت و دائمی و گسیل نیرو به دریاها و مناطق آبی به‌عنوان نشان و علامت قدرتمندی و گسترده‌گی سطح قلمرو در میان حاکمان کشورها و سیاست‌مداران جهان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و امروزه با توسعه فناوری‌ها، سامانه‌ها و آرایه‌های دریایی و اهمیت دریاها خصوصاً به‌عنوان اصلی‌ترین شریان تجاری و اقتصادی و علی‌الخصوص انتقال انرژی جهان این اهمیت دوچندان شده است. یکی از مهم‌ترین شاخه‌های فناوری و سامانه‌های مؤثر در استیلای کشورها و قدرت‌ها بر مناطق آبی، فناوری‌ها، سامانه‌ها و آرایه‌های دریایی است.

در چند دهه اخیر، تغییرات اساسی بسیاری در روش و سیمای جنگ‌های نوین در صحنه دریا رخ داده است که بعضاً اندیشمندان نظامی و دفاعی از آن به «انقلاب در امور نظامی»<sup>۱</sup> نیز یاد می‌کنند. پیشران اصلی این تغییرات، پیشرفت‌های عمده در علوم و فناوری بوده است. به‌طوری که می‌توان جنگ‌های نوین را «جنگ‌های فناوری بنیان» نامید.

جنگ‌های دریایی آینده نیز بشدت فناوری‌بنیان و تجهیزات محور بوده و برای شناخت ویژگی‌های آن می‌توان از تجهیزات و فناوری نیروی دریایی آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین و جامع‌ترین تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده نمود. سیاست‌های جهانی توسعه‌طلبانه آمریکا باعث شده تا این کشور برای حضور هرچه سریع‌تر در تمامی مناطق جهانی و وارد شدن به انواع عملیات‌ها، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در توسعه توانمندی‌های دریایی خود انجام دهد.

ناوها و زیردریایی‌های کوچک، متوسط و بزرگ، همگی پایگاه‌های متحرک دریایی و هوایی کشور در سطح جهان محسوب می‌شوند که امکان حفاظت از منافع آن کشور در سرتاسر جهان را فراهم می‌آورد. لذا استفاده از پایگاه‌های مختلف در سراسر جهان توسط دشمن یکی از ویژگی‌های جنگ‌های دریایی در آینده می‌باشد.

تفنگداران دریایی یکی از مهم‌ترین ارکان نیروی دریایی محسوب می‌شوند که نقش‌محصصر به فرد و ممتاز در عملیات نظامی بر علیه دشمنان هر کشور بازی می‌کنند. به نظر می‌رسد با توجه به جهت‌گیری راهبردی دولت آمریکا، این نقش در نیروی دریایی ارتش آمریکا برجسته‌تر بوده و سرمایه‌گذاری مناسبی جهت توسعه این توانمندی‌ها جهت تهاجم به موقع و مؤثر به خاک کشورهای متخاصم از طریق دریا انجام شده است. استفاده از تفنگداران دریایی در مرحله دوم تهاجم جهت نفوذ به سواحل یکدیگر از ویژگی‌های جنگ‌های دریایی در آینده می‌باشد.

از آنجا که آمریکا به راحتی نمی‌تواند در مناطق خشکی (حتی در کشورهای هم‌پیمان) حضور گسترده نظامی و تسلیحاتی داشته باشد، توسعه حضور در دریاها و رشد و گسترش فناوری‌ها و سامانه‌ها و تجهیزات دریایی برای برآورده کردن اهداف راهبردی آن کشور توجیه لازم را از لحاظ اقتصادی، سیاسی و نظامی در حوزه ملی آمریکا پیدا کرده است. چارچوب قدرت نیروی دریایی آمریکا شامل چهار عامل و مؤلفه اصلی به شرح ذیل است:<sup>۲</sup>

- ۱) حمله (ضربه) دریایی<sup>۳</sup>، که مربوط به توانایی نیروهای دریایی در ایجاد یک تهاجم دقیق و مداوم دریای پایه است.
- ۲) حفاظت (سپر) دریایی<sup>۴</sup>، که مربوط به قدرت نیروهای دریایی است تا نه تنها در دریا از خود دفاع نمایند، بلکه در دفاع از خاک آمریکا در صحنه راهبردی علیه موشک‌های بالستیک فراهم نماید.
- ۳) دریایابی (پایگاه‌سازی دریایی)<sup>۵</sup>، مربوط به گسترش نیروی دریایی است که به‌عنوان واحدهایی مستقل و فارغ از هر مانع دست‌یابی و تنگنای سیاسی که در استفاده از پایگاه‌های زمینی در دیگر کشورها پدید می‌آید، بتواند از طریق دریا به عملیات بپردازد.
- ۴) شبکه نیرو<sup>۶</sup> این سه عامل باید توسط عامل چهارم یعنی شبکه نیرو پشتیبانی و یک‌پارچه شوند که عامل نظارتی عالی نیروی دریایی برای به‌هم پیوستن شبکه‌های کامپیوتری مختلف است. هم‌اکنون نیروی دریایی آمریکا برای به‌هم پیوستن کارکنان، شناورها، هواپیماها و تأسیسات،

1-Revolution in Military Affairs(RMA)

2 -Admiral Vern Clark - Sea Power 21 - Projecting Decisive Joint Capabilities By, U.S. Navy Proceedings - October 2002

3 -sea strike

4 -sea shield

5 -sea basing

6 -force net

در حال عملیاتی کردن یک شبکه اصلی و بزرگ می‌باشد. ایجاد یک تهاجم دقیق و مداوم دریا پایه و استفاده از واحدهایی مستقل در یک شبکه نیرویی نیز از ویژگی‌های جنگ‌های دریایی در آینده می‌باشد.

۵) بخش دیگر قدرت دریایی آمریکا عبارت است از مفهوم عملیات جهانی که مطابق آن، گونه‌های مختلفی از آرایش‌های نیروی دریایی باید برای حضور پیش‌گام، پاسخ به بحران و عملیات جنگی به کار بسته شود. شکل زیر چارچوب فوق و مفهوم شبکه نیرو را نشان می‌دهد. [۱۶]



با وجود اهمیت شناخت جنگ‌های آینده دریایی، نکته‌ای که برای کشور نیروی دریایی ما قابل تأمل می‌باشد، ویژگی‌های صحنه رزم در حوزه مسئولیت نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. با بررسی ویژگی‌های کلی جنگ‌های دریایی در آینده، می‌توان مشخصه‌های جنگ احتمالی علیه جمهوری اسلامی ایران در صحنه دریا را تبیین نمود. تقریباً تمام صاحب‌نظران و کارشناسان امور نظامی بر سر این موضوع که احتمال هرگونه تهاجم و تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران از طرف نیروهای متخصص فرامنطقه‌ای بیشتر از طریق دریا متصور می‌باشد، اتفاق نظر دارند. احتمال انجام جنگ‌های آینده در دریا در دو صحنه متفاوت عملیاتی خلیج فارس و دریای عمان متصور می‌باشد. جنگ در این دو صحنه از نظر نوع جنگیدن و از نظر نوع مانور متفاوت می‌باشد. میزان تأثیر ضعف و قوت نیروهای خودی با ضعف و قوت و آسیب پذیری دشمن در این دو منطقه کاملاً متمایز بوده و حتی اهداف استراتژیک دشمن نیز در این دو حوزه متفاوت می‌باشد.

با توجه به امتداد سواحل کشور از شمالی‌ترین نقطه خلیج فارس تا تنگه استراتژیک هرمز و هم‌چنین وجود جزایر زیاد در شمال، مرکز و جنوب خلیج فارس، عملاً نیروهای خودی در صحنه عملیاتی خلیج فارس دارای برتری راهبردی بوده و با اشراف و دید مستقیم بر روی تمامی خلیج فارس و تنگه هرمز، قابلیت ردگیری، رهگیری و انهدام اهداف دشمن را در منطقه دارا می‌باشند. هر یک از جزایر خودی در منطقه خلیج فارس، می‌تواند قابلیت آتش یک رزمناو را داشته باشد. تمامی بنادر کوچک و بزرگ کشور در سواحل شمالی نیز با به‌کارگیری شناورهای چابک، می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای را در نبرد ناهم‌تراز عهده‌دار شوند. از طرفی با توجه به توان کشور، امکان استفاده از جنگ مین نیز علیه دشمن وجود دارد. ولی جنگ در صحنه عملیاتی دریای عمان ماهیتی کاملاً متفاوت دارد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا در بخشی از فرمایشات خود در ۱۹/۱۲/۸۶ می‌فرمایند: «کار در دریای عمان دشوارتر و بسیار مهم‌تر است. زیرا امروز دشمن ما، فلان کشور همسایه خلیج فارس نیست. دشمنی که ما احتمال حمله و تهدید او را می‌دهیم کسی است که در اقیانوس‌ها گسترش یافته است. بنابر این در خلیج فارس، جنگ کردن داخل خانه است، در حالی که در دریای عمان جنگ کردن در عرصه وسیع بیرون خانه است.»

## ۸-۹- تأثیر توسعه سواحل مکران بر اقتدار دریایی ج.ا.ا.

نظریه نقشی که عوامل محیطی در شکل‌گیری نیروی دریایی راهبردی دارد، تحولاتی که در اطراف کشور ما و یادآور آینده انتظار وقوع آن می‌رود، از جمله مواردی است که باید به آن پرداخت. دنیای پر فتنه و آشوب امروز و تحولات محیطی آینده، صحنه نبرد و رقابتی است که پیروزی در آن نیازمند هوشمندی بسیار بالا دارد.

استقرار نیروی دریایی راهبردی ارتش ج.ا.ا. ایران در سواحل مکران در جنوب شرق کشور و در آب‌های بین‌المللی شمال اقیانوس هند و دریای مدیترانه در راستای اوامر و تدابیر فرماندهی معظم کل قوا، برکات فزاینده‌ای را برای این منطقه استراتژیک و نیروی دریایی راهبردی به ارمغان آورده است. نیروی دریایی راهبردی که مدت کوتاهی است در قالب واقعی و مورد انتظار رهبری قرار گرفته است، در آینده با محیطی پیچیده و سرشار از تحولات در ابعاد گوناگون روبرو خواهد شد که ویژگی‌های این محیط بر نحوه کارکرد و میزان کارایی و کامیابی‌اش اثرگذار است و بخش عمده آن نیز مربوط به میزان توسعه یافتگی سواحل مکران به عنوان عقبه اساسی، پشتیبان و مبدأ اعمال اقتدار و سیادت دریایی در این خطه از کشور بوده و

بخشی نیز مربوط به توسعه نیروی دریایی راهبردی بوده که مدل مفهومی توسعه این نیرو طراحی و با بهره‌گیری از همه‌ظرفیت‌های ملی در قالب برنامه‌ای مدون متناسب با تهدید و جنگ‌های آینده دریایی اجرایی خواهد شد که چارچوب کلی این الگو موضوعات زیر را در بر می‌گیرد:



## ۱۰- نتیجه‌گیری

۱-۱- استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی کشور و در کرانه‌های دریای عمان و در همسایگی کشورهای افغانستان و پاکستان قرار دارد. این وضعیت به علاوه گستردگی و پهناوری استان می‌تواند توان بالقوه زیادی برای توسعه منطقه و حتی کشور مهیا سازد. گسترش شمار دانش‌آموختگان دانشگاهی را نیز باید بر این مزیت‌ها افزود. تنوع آب و هوایی و وجود معادن در منطقه را هم باید بر فهرست توانمندی‌های بالقوه استان افزود. تقویت بازارچه‌های مرزی و بنادر استان حتی می‌تواند فرصت‌های کم‌نظیر و مناسبی برای صادرات و واردات کشور فراهم سازد. با وجود این توان، هنوز استان سیستان و بلوچستان محروم‌ترین استان کشور محسوب می‌شود. رشد نسبتاً بالای جمعیت، بیکاری گسترده، ورود گسترده مواد مخدر از مرزهای شرقی، تعداد اندک مراکز تولیدی و صنعتی، کم‌رونقی دامداری و کشاورزی و بخش معدن، عدم دسترسی مناسب به مراکز بهداشتی و درمانی، بی‌سوادی گسترده و مواردی از این دست نشان می‌دهد مردمان این بخش از ایران با رنج‌ها، دردها و کمبودهای بیشماری دست به‌گریبانند. وضعیت شاخص‌های توسعه درون‌استانی نیز نشان می‌دهد این محرومیت‌ها در داخل استان شکل قومی ندارد و شمال و جنوب استان یعنی منطقه سیستان و ناحیه بلوچستان با محرومیت‌های گسترده‌ای روبرو هستند. این وضعیت و نیز توسعه نایافتگی دیگر بخش‌های کشور نشان می‌دهد یکی از مبرم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای کشور توجه به حقوق اساسی ملت به ویژه تلاش برای دستیابی همه ایرانیان به فرصت‌های برابر توسعه‌ای است. عزم ملی برای دستیابی به توسعه پایدار و تمرکز همه دلسوزان، فرهیختگان و روشنفکران بر گفتمان توسعه می‌تواند بر کاهش این شکاف‌های توسعه‌ای تأثیر گذار باشد.

۱۰-۲- بررسی سواقی، پیشینه پژوهش، مطالعات اکتشافی و پژوهش‌های انجام گرفته، مبین این موضوع است که سواحل مکران، دریای عمان و شمال اقیانوس هند به طور سنتی مورد غفلت و کم‌توجهی قرار گرفته و در حال حاضر نیز این غفلت در ابعاد مختلف آن به عنوان یک محیط نسبتاً ناشناخته ادامه دارد از سویی توجه به توسعه سواحل مکران در جنوب شرق کشور اسلامی‌امان نیز مغفول مانده و این موضوع موج از دست رفتن بسیاری از فرصت‌ها و افزایش و نزدیکی تهدیدات دریا پایه‌علیه منافع ملی کشور در صحنه دریا شده است.

۱۰-۳- بهره‌برداری از فضای جغرافیایی گسترده دریای عمان و بخش‌های شمال اقیانوس هند این امکان را به نیروهای مسلح می‌دهد تا در منطقه مورد علاقه جهت جمع‌آوری اطلاعات راهبردی نظامی و همچنین مانورهای عملیاتی، ابتکار عمل را پیش از ورود هر گونه نیروی تجاوزگر به تنگه هرمز و خلیج فارس با بهره‌گیری از سواحل مکران و عمق راهبردی مناسب در دریاها به دست گیرند، و راهبردهای نظامی را در یک جنگ همه‌جانبه و تمام‌عیار قوت بخشد.

۱۰-۴- با توجه به نگاه مقام معظم رهبری به نیروی دریایی که می‌فرمایند «می‌خواهم بگویم نیروی دریایی کنونی با آنی که ایده‌آل ما و شماسنت منطبق است؟ یقیناً خیر...» (امام خامنه‌ای: ۹۰/۱۰/۲۵) و فقدان شناخت صحیح از تأثیر جنگ‌های آینده در صحنه دریا بر توسعه سواحل مکران، چیست و چگونگی این تأثیر و تعیین ارتباط بین آنها حائز اهمیت است، تا در تراز با فرمایشات مقام معظم فرماندهی کل قوا، دریا نه تنها محدودیتی



برای اعمال اقتدار راهبردی ما در منطقه ایجاد نکند، بلکه زمینه مناسبی را برای انجام مأموریت‌های راهبردی در چارچوب رهنامه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و توسعه مشارکت در امور مختلف در کشورهای مسلمان و دوست در منطقه و مناطق مورد علاقه ایجاد نماید.

۵-۱۰- باید توجه داشت که فعالیت در عرصه‌های آبهای بین‌المللی و دوردست اقیانوسی با شرایط هوایی کاملاً متفاوت و سهمگین و رقیبانی قدرتمند نیاز به تغییر کامل دید مسئولین و نحوه و میزان پشتیبانی از قدرت دریایی کشور، به‌خصوص بخش نظامی آن دارد و حضور و عمل در چنین عرصه‌های مستلزم در اختیار داشتن و به‌کارگیری ناوگان قدرتمند و سنگین سطحی، زیرسطحی و یگان‌های هوایی با تکنولوژی روز، افزایش سطح همکاری‌های سیاسی و نظامی با کشورهای واقع در سواحل دریای جنوب و اقیانوس هند و استفاده از تسهیلات بندری آنها جهت یگان‌های نظامی و نیز تغییر دید کامل نسبت به صنایع دریایی در داخل کشور است به‌نحوی که این صنایع بتوانند نیازمندی‌های ناوگان‌های نظامی و غیرنظامی کشور را مطابق با استانداردهای روز دنیا تأمین کنند.

۶-۱۰- استقرار نیروی دریایی در منطقه سواحل مکران و توسعه تا اعماق و آب‌های دوردست و اعمال سیادت دریایی در اقصی نقاط عالم بایستی برابراالگوی توسعه نداجا انجام و با توسعه هدف مند سواحل مکران از این نیرو پشتیبانی گردد.

## ۱۱. مراجع :

- ۱۱،۱. سیاری حبیب الله، آل احمد، مهرداد، پروانه، ابوالفضل، نیروی دریایی (ارتش جمهوری اسلامی ایران)- نیروی راهبردی: مجموعه رهنمود ها و بیانات مقام معظم رهبری و فرماندهی معظم کل قوا در جمع فرماندهان و کارکنان نداجا، دفتر پژوهش های نظری و مطالعات راهبردی نداجا، ۱۳۹۰.
- ۱۱،۲. مجموعه مصاحبه های امیر فرماندهی محترم نداجا در خبرگزاری ها و سایت ارتش ج.ا.ا. <http://www.aja.ir> و نداجا.
- ۱۱،۳. سیاری حبیب الله، خانزادی، حسین، تنگه های راهبردی جهان، ص ۲۵، ۱۳۹۱
- ۱۱،۴. مجموعه مصاحبه های امیر فرماندهی محترم نداجا با خبرگزاری ها و سایت ارتش ج.ا.ا. <http://www.aja.ir> و نداجا.
- ۱۱،۵. تولایی، محسن، حضور مقتدرانه نیروی دریایی ایران در تقویت راهبردهای دریایی، خبرگزاری فارس، <http://www.farsnews.com>، ۹۰/۵/۱۰.
- ۱۱،۶. حاج یوسفی، علی (عضو هیئت علمی دانشگاه)، مقاله آمایش سرزمین (مفهوم ها و رویکردها)، دفتر برنامه ریزی منطقه ای سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۷۰.
- ۱۱،۷. ریچارد پیت، الین ریچارد هارت ویک، نظریه های توسعه ترجمه: مصطفی ازکیا، اسماعیل رحمانپور، رضا صفری شالی، نشر لویه، ۱۳۸۴.
- ۱۱،۸. <http://www.iranstb.com>.
- ۱۱،۹. کتاب سالنامه آماری کل کشور (سرشماری سال و ۱۳۹۰-۱۳۸۵) و کتاب سالنامه آماری استان در سال های ۸۴، ۸۰، ۸۵ و ۹۰.
- ۱۱،۱۰. هوشمند، احسان (روزنامه نگار و پژوهشگر مطالعات قومی)، توسعه سیستان و بلوچستان و چالش های پیش رو، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو شماره ۵۷، ۱۳۹۰.
- ۱۱،۱۱. نبی زاده، سرابندی سیمای، عدالتی در فرصت های آموزشی استان سیستان و بلوچستان، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، پاییز ۸۴، <http://www.sid.ir>.
- ۱۱،۱۲. گزارش دفتر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ص ۱، ۱۳۸۷.
- ۱۱،۱۳. همان ص ۲.
- ۱۱،۱۴. ثقفی عامری، ناصر، همکاری در اقیانوس هند و تحولات پس از جنگ سرد، ص ۱۴۱، سمت، ۱۳۷۳.
- ۱۱،۱۵. همان ص ۳۶.
- ۱۱،۱۶. ورن کلارک، قدرت دریایی ص ۲۱، ۲۰۰۲.